

کویه که کفمه که ککها کویه که کفمه که ککها

دکتر ژاله آموزگار

دو ارداویراف نامه

«ارداویراف نامه» که زردشت بهرام پژدو در بحر هزج به نظم کشیده است باکم و بیش تفاوتی همان معراج «ارداویراف» یا «ارداویراز»^۱ است که متن پهلوی آن را در دست داریم و ضمن آن شرح داده می شود که چگونه در پی تثبیت آرایشی که درباره دین زردشتی، در دوره ساسانی پیش می آید. این روحانی برجسته از میان دیگر پرهیزکاران برای یک مأموریت بزرگ برگزیده می شود تا از طبقات بهشت و دوزخ دیدار کند و نیکوکاران را به تناسب نیکی ها و اعمال پسندیده ای که انجام داده اند در مدارج مختلف بهشت و گناهکاران را بنا بر مراتب زشتکاریشان در طبقات دوزخ باعذابهای گوناگون مشاهده نماید و پس از بازگشت شرح این سفر را بازگو کند و غبار شک از آئینه این دین بزداید. این داستان در سنت زردشتی دوره ساسانی از اهمیت خاصی برخوردار است و طبیعی است که زرتشت بهرام پژدو به عنوان یک شاعر بزرگ زردشتی که فقط در مسائل مهم طبع آزمایی می کند، به نظم کشیدن این اثر قابل توجه، پرماجرا و شیرین را سرلوحه کوشش های خود قرار دهد. ولی آنطور که از سروده های خود زردشت بهرام برمی آید، او این داستان را مستقیماً از متن پهلوی به نظم نکشیده است و متن مورد استفاده او «ارداویراف نامه» منثوری بوده است که به همراهی «زردشت نامه» به دست او رسیده است و او همت به نظم آن گمارده است:^۲

پس آنکه آن دگر دفتر گزیده بدو بگماشتم چون چشم و دیده
سر او را نام بود اردای ویراف درو نیک و بدیها کرده اوصاف
.....
همه لذات دین در وی هویدا عقوبتهای دوزخ نیز پیدا

۱- بنا بر آنکه در پهلوی علامت آخر (اپ) یا (اچ) تلقی شود.
۲- دکتر رحیم غفیفی، «ارداویراف نامه منظوم زردشت بهرام پژدو» چاپخانه دانشگاه مشهد، بهمن ۱۳۴۳، ص ۲۱ و ۲۲.

.....

اگر چه بود جمله راحت و مغز ولسی بی نظم بود آن قصه نغز

.....

سخن چون نظم شد هم خوشتر آید بگوش آواز او خوشتر برآید
به ندای هاتف تصمیم به نظم این داستان می‌گیرد و بی‌کم و کاست آنرا به شعر در
می‌آورد و خود در پایان کتاب تصریح می‌کند که برای این منظومه نسخه خوبی را برگزیده
است و چنان این داستان را به نظم کشیده است که هیچ بیش و کمی در آن نماند. ۱۰:
مرا نساخت این نسخه چنین گفت که این را نیست اندر راه دین جفت
بگفتم من چنان این داستان را که بیشی و کمیی نیست آنرا
چو حرف نظم بشماری تو با نشر نیایی اندر و لغتی کم و کسر
با وجود در دست نداشتن «ارداویراف نامه» مشثوری که مورد استفاه زردشت بهرام
بوده است، مشکل بتوان قضاوت کرد که تفاوت‌های دو متن پهلوی و فارسی از خودشاعر
است یا از متن مورد استفاده. ولی در هر حال آنچه مدنظر ما است تفاوت‌های دو متن است
و بهمین منظور ترتیب مطالب را در پهلوی و فارسی مقایسه می‌کنیم و مطالبی که در
فارسی فزون بر پهلوی آمده است ذکر می‌کنیم و سپس به شرح نکاتی چند درباره تکیه
بیشتر یا توجه کمتر به بعضی مسائل در منظومه فارسی، با توجه به متن پهلوی، می‌پردازیم.
برای اطلاع از ترتیب مطالب، ذکر خلاصه‌ای از داستان، با توجه به اصل پهلوی
که منبع اصلی است ضروری به نظر می‌رسد.

متن پهلوی ۲-۱۰۱ فصل را شامل است که از آغاز تا فصل سوم مختصری از
تاریخچه سرنوشت دین زردشتی به میان می‌آید و سپس تفصیل تمهیدات گزینش این
روحانی فرزانه و پرهیزکار و آغاز معراج است و بعد بازگشت به زمین و دعوت دبیبری
برای ضبط و نگارش گفته‌های ارداویراف پیرامون حوادث و ماجراهایی که بر او
گذشته است.

فصل ۴-۱۶ شرح قدم به قدم این سفر آسمانی در معیت «سروش» و «آذر ایزد»
است که ارداویراف پس از گذشتن از «پل چینود» ۲ و دیدار زیاریویی که نماد (سمبل)
کارهای پر از ثواب روان شخص پارسا و رستکار است و بازدید کوتاهی از همیستگان ۴،
راهی مدارج بهشت می‌شود. از ستاره پایه، ماه پایه و خورشید پایه می‌گذرد و به
گرمزان ۵ و سرزمین روشنی‌های بی‌پایان می‌رسد، امشاسپندان را ملاقات می‌کند و به

۱- همان اثر ص ۱۰۶.

۲- دکتر رحیم غفیفی. «ارداویرافنامه یا بهشت و دوزخ در آئین مزدیسنی». چاپخانه دانشگاه
مشهد، مهرماه ۱۳۴۲.

۳- پل چینود، معادل پل صراط. نام گذرگاهی است که روان در گذشتگان باید از آن عبور کند

۴- همیستگان، معادل برزخ، جایگاه روانهایی که اعمال نیک و بد آنها مساوی است.

۵- منظور از ستاره پایه و ماه پایه و خورشید پایه و گرمزان چهار طبقه آسمان است. پایه
در اینجا به معنی طبقه و گرمزان یا عرش اعلی، برترین جای بهشت است.

دیدار پر از نور اورمزد می‌رسد. در درجات مختلف، ثوابکاران را به تناسب اعمال پسندیده‌شان فرق در آسایش‌ها و نعمات گوناگون می‌بیند. شرح این آسایش‌ها و نعمت‌ها بسیار کلی است و غالباً با توصیفات کلی چون «نور» و «شکوه» و برای زنان گاهی با پوشش زیبا و آراسته ذکر می‌شود.

ثوابها در متن پهلوی عموماً از این قبیل هستند:

یشت کردن، گاهان سرودن، پارسایی و شهریاری و سالاری و بزرگی خوب کردن، به دین پاک استوار بودن، پرهیز آب و آتش و زمین و گیاه و گوسفند را داشتن، حیوانات مودی کشتن، کشاورز و شبان و پارسا و آموزگار و جادنگوی^۱ خوب بودن، با نزدیکان زناشویی کردن، و زنان اطاعت و احترام شوهر داشتن...

از فصل ۱۶ به بعد سفر به دوزخ آغاز می‌گردد که راهی طولانی است و تا فصل ۱۰۰ ادامه دارد. در این رهگذر ارداویراف عجزه‌زشت و غیرقابل تحملی که نماد اعمال زشت روان در گذشته گناهکار و بدعمل است می‌بیند و بعد توصیف تاریکی و گندی دوزخ و سپس شرح مکافات‌هاست. معمولاً انواع عذابها از مار و اژدها و دیوان و حیوانات مودی به روان می‌رسد و گناهکاران عذابهای بسیاری را از این قبیل باید تحمل کنند:

پلیدی‌ها و ناپاکی‌ها را به اجبار بخورند، دشنه‌ها تن‌ها را خراش می‌دهد، شانه‌های آهنین بر بدنهای زنها کشیده می‌شود، کوهها با سینه زنان کنده می‌گردد، نگونسار آویخته می‌شوند، گرمها بر آنان هجوم می‌برند....

گناهها معمولاً از این قبیل است:

بد پادشاهی کردن، آزار و شکنجه دادن، سخن‌چینی نمودن، گواهی دروغ دادن، داوری نابجا کردن نسبت به فرمانروایان نافرمان و نسبت به سپاه و لشکر، و فرمانروایان دشمن بودن، کاهل بودن، شیون و مویه کردن، مرد پاک را کشتن، در پیمانانه ریا کردن، آب به می و خاک به گندم آغشتن، مزد مزدوران و بهره بهره‌وران ندادن، نیسکی از مردمان بازداشتن، مال از خود دریغ داشتن، جای به کاروانیان ندادن، چیز کسان دزدیدن، دروغ و ناراست گفتن، پیمان شکستن، گاو و گوسفند را خلاف قانون کشتن، حیوانات اهلی را بخوبی تیمار نکردن و گرسنه و تشنه داشتن، مراعات آب و آتش نکردن، در گرمابه آب را آلودن، و برای زنان تمکین از شوهر نکردن، آئین طهارت را مراعات نکردن، پنهان از شوی گوشت خوردن!، بدکاره و روسپی و خیانتکار بودن، بد زبان و بددهن بودن، از مرد بیگانه آبتستن شدن و.....

پس از گذشتن از وادی این گناهکاران، ارداویراف در فرگرد ۱۰۱ به همراهی سروش پاک و ایزد آذر به محل روشنی‌های بی‌پایان می‌رسد و پس از گفتگو با اورمزد و گرفتن پیام از او، خود را در بستر خویش باز می‌یابد.

۱- جادنگوی کسی که شخصیت واسطه را دارد و آنچه را که مردم برای خدمات مذهبی، آتشکده‌ها و مؤبدان و هیربدان نذر می‌کنند دریافت می‌کند و به مصارف مذهبی می‌رساند.

«ارداویراف‌نامه» منظوم زردشت بهرام با جزئی تفاهت‌هایی همین مطالب را دنبال می‌کند. اختلافات دو متن از این قبیل هستند:

نامه منظوم زردشت بهرام گرچه از نظر تعداد ابیات شعری بمراتب مفصلتر از متن پهلوی است ولی در حقیقت ۱۰۱ فصل نامه پهلوی را دربر ندارد.

زردشت بنا بر رسم مرسوم زمان منظومه خود را طرح‌ریزی کرده است. به این ترتیب که قبل از اینکه به منظور کلی و متن اصلی برسد تحت عنوانهای «آغاز داستان، دو باب در مناجات» و سپس «سبب نظم‌کتاب» را می‌سراید و آنگاه داستان را آغاز می‌کند. یعنی تقریباً فصل اول متن پهلوی را پیش می‌کشد ولی سخنی از تاریخچه دین‌زردشتی آنچنان که در آغاز «ارداویراف‌نامه» پهلوی نقل شده است در میان نیست و اختلاف داستانی در پیش است که ذیلاً بدان اشاره خواهد شد. بعد با همان نظم متن پهلوی، مدارج عالی را به سوی بهشت روشن می‌پیماید و سپس به همیستگان (= برزخ) می‌رسد و پیش از آنکه سفر دوزخ را آغاز کند ابیاتی در نصیحت و مناجات دارد. و آنگاه مشاهدات او در دوزخ آغاز می‌گردد.

ترتیب متن پهلوی علی‌رغم تفاوت‌های داستانی در جزئیات تا فصل ۳۴ حفظ می‌شود ولی از آن پس این ترتیب به شرح زیر بهم می‌خورد:

به‌جای مطالب فصل ۳۴ متن پهلوی، فصل ۴۴ پهلوی نقل می‌شود که داستان عذاب روان‌زنی است که کودکش را حرام کرده است. و از فصل ۳۹ دوباره نکته‌ها را باز می‌گوید. و به عبارت دیگر فصل‌های ۳۴-۳۸ منظومه فارسی برابر با ۴۴-۴۸ متن پهلوی است و فصل‌های ۳۹-۴۴ متن فارسی برابر با ۳۴-۴۱ متن پهلوی است. فصل ۴۵-۴۸ منظومه فارسی مطالب فصل‌های ۴۹-۵۲ متن پهلوی را نقل می‌کند، و بعد از آن از سایر پادافره‌های دوزخ که تقریباً نیمی از متن پهلوی را شامل می‌شود در «ارداویراف‌نامه» منظوم اثری نیست و چون به مطالب فصل ۱۰۱ متن پهلوی که برگشت از دوزخ و حضور مجدد در محل روشنی‌های بی‌پایان و باریابی دوباره به حضور باریتعالی و شنیدن آواز اوست می‌رسیم، با ابیاتی روبرو می‌شویم که گویای احساسات خود شاعر است و مسائلی اندرزگونه. در راه بازگشت به زمین، سراینده، با موضوعاتی که خود به داستان افزوده است، شرح و بسط مفصلتری می‌دهد و جای به جای اندرزاها و سخنانی در پرهیز از گناهان به میان می‌آید.

موضوع ویژه دیگر منظومه فارسی اینست که ارداویراف مدارج بهشت را همانطور

۱- برای توضیحات بیشتر در مورد ابیات، رجوع کنید به دکتر رحیم عقیقی «ارداویراف‌نامه منظوم بهرام پژدو»، تعداد ابیات در این کتاب ۱۸۴۹ بیت ذکر شده است.

۲- دکتر رحیم عقیقی، «ارداویراف‌نامه منظوم زردشت بهرام پژدو»، ص ۶۶.

۳- همان اثر ص ۸۴

۴- همان اثر ص ۸۷

۵- همان اثر ص ۹۰-۹۲

۶- همان اثر ص ۹۴-۹۶

که قدم به قدم بالا رفته بود، پله به پله پائین می‌آید. یعنی از محل روشنی‌های بی‌پایان به خورشید پایه و سپس ماه پایه و ستاره پایه می‌رسد که روانهای ساکن در آن مدارج، با او به سخن می‌پردازند و پیامهایی برای خویشان خود که زنده و در زمین هستند می‌فرستند. او سرانجام به پل چینود می‌رسد که روانهای تازه در گذشته در حال عبورند و آنجاست که بیشترین گفتگو رد و بدل می‌شود، تا بالاخره به زمین می‌رسد. در این قسمت که مطالبی غیر از متن پهلوی را دربر دارد، نشانه‌ها و تأثیراتی از کتابهای زردشتی فارسی آن دوران به چشم می‌خورد و بر گناهای انگشت گذاشته می‌شود که در زمان شاعر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند. مثلاً در روی پل چینود با روانهایی روبه‌رو می‌شود که گناه همیمالا کرده‌اند و بهیچوجه راه عبورشان از پل نیست و این بازگشتی است به مطالب کتاب «صد در نثر و صد در بندهش»^۲. مناجات درمیان کلام زردشت بهرام فراوان است و هر جا که مجالی پیش می‌آید، فزون بر متن پهلوی به شرح احساسات خود می‌پردازد.^۳

تفاوتهایی درخور توجه در مطالب متن پهلوی با متن فارسی می‌یابیم که با جزئیات هرفصل، جداگانه مورد بررسی قرار گرفته و آنچه از مجموع حاصل شده است در زیر خواهد آمد:

۱- در متن پهلوی تصمیم‌گیری برای این سفر آسمانی، عبارت و انتخاب را کلا موبدان انجام می‌دهند^۴، ولی در متن فارسی، در تصمیم‌گیریها، شخص شاه و ملازمانش مؤثرند.^۵

در تمام مدت این معراج آسمانی در متن فارسی، شاه و سواران در کنار، به پاسبانی مشغولند و خواهران ارداویراف برای شکایت پیش شاه می‌روند و از او دادخواهی می‌کنند، ولی در متن پهلوی برای این دادخواهی به انجمن مزدیستان مراجعه می‌کنند. همچنین در آغاز سفر آسمانی چون سروش به پیشواز ویراف می‌آید. او می‌گوید که از سوی شاه آمده‌ام:^۶

بدو گفتم فرستادم شهنشاه
که او را زین جهان گردانم آگاه
ولی در متن پهلوی او فقط می‌گوید من پیامبرم.^۷

در پایان کتاب متن منظوم فارسی نیز داستان پس از تحریر، در برابر شاه گذاشته می‌شود و او را پسند می‌آید و اوست که ارداویراف را غرق در گهر و زبرجد

۱- گناه همیمال عبارت است از دروغ و بهتان زدن. با زن کسی خیانت کردن، زن بستر را از شوهر جدا کردن.

۲- دکتر رحیم عقیقی، «ارداویرافنامه منظوم» ص ۹۸ و ص ۱۶۱.

۳- همان اثر ص ۶۶ و ۹۲.

۴- دکتر رحیم عقیقی «ارداویرافنامه یا بهشت و دوزخ در آئین مزدیسنی» فرگرد اول.

۵- دکتر رحیم عقیقی «ارداویرافنامه منظوم» ص ۲۴-۲۷.

۶- همان اثر ص ۳۴.

۷- «ارداویرافنامه یا بهشت و دوزخ.....» فرگرد ۴.

و سروارید و یاقوت و لعل می‌کند. سپس شاه سوی هر ولایتی نامه می‌نویسد و راه راست را به این طریق به آنها می‌نمایاند و شاه اردشیر به وزیرش می‌گوید که اینها را به یاد داشته باش تا کسی اگر جز این کند مرگ ارزان باشد و از جانب شاه رد (= پیشوا) و موبد و استاد به هر جای فرستاده می‌شود تا همه را براه زردشت آورند.

به این ترتیب می‌بینیم که يك داستان ساده مذهبی که در اصل پهلوی مطابق مقتضیات آن زمان فقط مسائل دینی میان موبدان را مطرح می‌کند، در متن فارسی زردشت بهرام، از سنت منظومه‌های دیگر هم‌زمان فارسی پیروی می‌کند.

۲- بعضی از اعتقادات زردشتی که در متن پهلوی به‌راحتی بیان شده است در متن فارسی به پیروی از اعتقادات عامه و وضع زمانه صورت دیگری به خود می‌گیرد و مهمتر از همه مسئله ازدواج با نزدیکان است که در فارسی اصلاً اشاره‌ای به آن نیست. در فصل هفتم متن پهلوی وقتی از ثوابها صحبت به میان می‌آید «خویدودث» یا ازدواج با نزدیکان ذکر شده است که در متن منظوم فارسی نیست و نظیر این موضوع در فصل ۱۲ نیز پیش می‌آید.

۳- در سر پل چنود، آنجا که نمادی از اعمال و رفتار شخص در گذشته به پذیره او می‌آید و در همه متن‌های پهلوی و از آن جمله در ارداویراف‌نامه پهلوی، برای روان درستکار کنیزکی زیباروی و خوشبوی و غیره است و برای شخص نادرست و بدکار عجزه‌ای زشت و غیرقابل تحمل، در متن فارسی زردشت بهرام، برای هر دو این نمادها (خوب و بد)، اصطلاح «صورت» آورده شده است و از دادن يك تجسم واقعی به آن خودداری می‌شود.

همین مسئله در مورد ملاقات با اورمزد، در سرزمین روشنی‌های بسی پایان پیش می‌آید. در متن پهلوی «ویراف» اورمزد را می‌بیند و اورمزد مستقیماً به سروش و آذر فرمان می‌دهد که ارداویراف را در دنیای مینوی بگردانند. اما در فارسی از این موضوع به سرعت می‌گذرد و از قرار گرفتن در برابر اورمزد خودداری می‌کند. همین موضوع در پایان کتاب در فرگرد ۱۰۱ باز پیش می‌آید. چون آنجا نیز اورمزد در پایان سفر خطاب به ویراف می‌گوید که برو به جمهانیان چنین بگو ولی در متن فارسی، زردشت بهرام موضوع را بنحوی برمی‌گرداند. چون از رو به‌رو واقع شدن با اورمزد آبا دارد. از طرف دیگر غالباً آنجا که در پهلوی به امشاسپندان و ایزدان تکیه بیشتری می‌شود و نام آنها به میان می‌آید، در فارسی اشاره به آنها کمتر است.

در متن فارسی بجای «آذر ایزد» متن پهلوی «اردیبهشت» ذکر می‌شود.

۴- نوع ثوابهایی که در پهلوی بر آنها تکیه می‌شود با فارسی تفاوت گونه‌هایی

۱- ارداویراف‌نامه منظوم ص ۱۰۲.

۲- ارداویراف‌نامه فرگرد ۱.

۳- ارداویراف‌نامه فرگرد ۱۱ و ارداویراف‌نامه منظوم ص ۴۴.

۴- فرگرد ۵ متن پهلوی و ص ۳۷ ارداویراف‌نامه منظوم.

دارد. در متن زردشت بهرام به مسائل مادی زندگی و بخصوص به مسائل مادی مربوط به موبدان تأکید بیشتری شده است: کمک مالی به موقع کردن، سخاوت داشتن، گیتی خرید و نوزود کردن^۱ که بازتابی از مسائل اجتماعی اقلیت زردشتی آن دوران است. ثواب روانه‌ایی که در روشنترین مدارج بهشت جای دارند از دید منظومه فارسی سخاوت است و عداوت نکردن. در مقابل متن پهلوی خویدودث (= ازدواج با نزدیکان) گاهان سرودن و یشت کردن.

این نکته اختلاف جالب توجهی است که مرتب تکرار می‌شود و رویم گرفته کرده‌ها و ثوابهایی که روانها انجام داده‌اند در منظومه فارسی عملی‌تر است و بازندگی مادی روزانه بیشتر هم‌آهنگی دارد. آنجا که زندهای ثوابکار توصیف می‌شوند، در متن فارسی لباسها جلوه و تلالؤ باشکوه‌تری به‌خود می‌گیرد و زیورهایشان کاملتر توصیف می‌گردد و ضمناً تکیه بیشتر بر طاعت از شوهر است و سازگاری با هرچه او دارد.

بر «برشونوم»^۲ در متن فارسی تأکید می‌شود در حالیکه در متن پهلوی نیست. نوع گناه بنا بر زمان تغییر می‌کند: زیاد به گرمایه‌شدن و آب را آلودن از دید متن پهلوی گناه است^۳ و به حمام‌جدیدینان (= کسانی که دین دیگری دارند) رفتن از نظر متن منظوم فارسی. تکیه بر این گناهان بسیار است: حلال و حرام کردن، انداختن مال، احتکار گندم^۴.

بعضی از گناهان که در متن پهلوی به صورت جالب توجهی عرضه می‌شود در متن فارسی به صورت دیگری درمی‌آید: چنانکه در فصل ۲۷، متن پهلوی گناه «آب در می‌کردن» و «گندم با خاک آغشتن» در میان است و در مقابل فارسی آن. «رهزن خلشق زمان بودن» و «ترازو گز گرفتن» و «کم‌دادن» است^۵.

۵- در قسمت انجامین داستان، در متن منظوم زردشت بهرام، پس از شرح و بیان چهار طبقه دوره ساسانی آئورنان (= روحانیون)، ارتیشاران (= جنگجویان) و استریوشان (= بزرگان)، هتخشان (= صنعتگران)^۸، مطلب به‌پدیدار شدن آذرباد مهرسفنند کشیده می‌شود و اصل و نسب او که از طرف پدری به زردشت و از طرف مادری به گشتاسب می‌رسد بیان می‌شود و بعد ریختن روی گذاخته بر سینۀ او به‌خوبی

۱- «گیتی خرید» آنست که در این گیتی با اعمال مذهبی و نذورات مادی آن گیتی را بخرند. نوزود مراسم مذهبی که پس از کستی‌بستن و همچنین برای رسیدن به مدارج پیشوایی مذهبی اجر می‌شود.

۲- برشونوم، نوعی طهارت است.

۳- ارداویراف‌نامه منظوم ص ۴۱.

۴- ارداویراف‌نامه پهلوی فرگرد ۴۱.

۵- ارداویراف‌نامه منظوم ص ۸۹.

۶- همان اثر ص ۶۲.

۷- همان اثر ص ۷۰-۷۳.

۸- ارداویراف‌نامه منظوم ص ۱۰۳.

توصیف می‌شود و در مورد آمدن اعراب فقط به يك بيت کوتاه اکتفا می‌کنند.

دریغ ایران بدست ناکسان در فتاده شد از آن ویران پی‌م
اما در متن پهلوی، این جزئیات ذکر نمی‌شود و از آذرباد، در فصل اول در مسائل
مربوط به تاریخچهٔ دین زردشتی سخن به میان می‌آید.

۶- بعضی از مطالب در فارسی شرح بیشتری به خود می‌گیرد. مثلا ثواب ناشی
از کشتن خرفستر (= حیوانات موزی)، یا ارزش مقام و ثواب شبانان و بزرگان در
پهلوی به اختصار و در فارسی با شرح فراوان است. یا در پهلوی ثواب مربوط به
کدخدایان و جادنگویان با يك جمله کوتاه نقل می‌شود، در حالیکه در فارسی شرح و
تفصیل فراوان به خود می‌گیرد.

در فصل ۱۶ متن پهلوی، در آغاز مدارج دوزخ، ارداویراف، رود تیره و قیرآلودی
را مشاهده می‌کند که پس از توضیح همراهان پی می‌برد که اشکهایی هستند که پشت
سر مرده‌ها ریخته شده است. متن منظوم فارسی، این قسمت را مفصلتر و زیباتر توصیف
می‌کند.

توصیف خود دوزخ در متن فارسی گرچه پشتوانهٔ مطالب پهلوی را به دنبال دارد
ولی مفصلتر و پرشرح و بسط‌تر است.

زشتی صورتی که نماد اعمال شخص گناهکار است و در پهلوی به‌ایجاز توصیف
شده در فارسی شرح و بسط بیشتری به خود می‌گیرد.

توصیف بعضی از گناهان در متن فارسی بیشتر است. آنجا که صحبت از هیزم
تری است که بر آتش می‌نهند، در متن فارسی توضیحات بیشتری آماده است. یا غذایی
که بر زنی که مسائل مربوط به ناپاکی مخصوص زنان را رعایت نکرده است، در متن
پهلوی شرح بیشتری داده شده و یا مکافات گناهکارانی که روابط جنسی غیرطبیعی
دارند دلغراش‌تر از متن پهلوی است.

یکی او را به تیشه می‌تراشید یکی او را به دشنه می‌خراشید

۷- در جزئیات حوادث نقل شده در هر فصلی نیز تفاوت‌هایی میان متن پهلوی و

منظومهٔ فارسی به چشم می‌خورد که به قسمتی از آنها اشاره می‌شود:

در فصل اول متن پهلوی، در آغاز، چون مسئلهٔ گزینش يك فرستاده پیش می‌آید،
از میان هفت نفر، سه نفر و از میان سه نفر ارداویراف برگزیده می‌شود، در حالیکه

۱- همان اثر ص ۱۰۵.

۲- ارداویراف‌نامهٔ پهلوی فرگرد ۱۴ و ۱۵ و ارداویراف‌نامهٔ منظوم ص ۴۹-۶۶.

۳- ارداویراف‌نامهٔ منظوم ص ۶۷.

۴- ارداویراف‌نامهٔ پهلوی فرگرد ۱۸ و ارداویراف‌نامهٔ منظوم ص ۷۴-۷۵.

۵- ارداویراف‌نامهٔ پهلوی فرگرد ۱۷ و ارداویراف‌نامهٔ منظوم ص ۷۰-۷۷.

۶- ارداویراف‌نامهٔ منظوم ص ۴۲.

۷- ارداویراف‌نامهٔ منظوم ص ۷۶.

۸- ارداویراف‌نامهٔ منظوم ص ۷۶.

در متن منظومه فارسی، این انتخاب از چهل هزار به چهارصد و از چهارصد به چهل و از چهل به هفت است تا به ویراف برسد.

در فصل ۲۲، نوع گناه تغییر می‌یابد.

در فصل ۲۵ پهلوی سخن از گناه بدون پیراهن رفتن در میان است. ولی در فارسی بدون کشتی (= کستی، کمر بند مخصوص زردشتیان) رفتن.

در فصل ۳۳ پهلوی مجازات گناه کسی که دروغ گفته است این است که زبانش را کرم می‌خورد، اما در متن منظومه فارسی زبانش را بیرون کشیده، روی سنگ گذاشته و با سنگ می‌زنند.

در فصل ۴۶ پهلوی روان گناهکاران، برای مجازات این که گواهی دروغ داده است و خواسته از نیکان گرفته و به بدان داده، «کله» مردم را در دست دارد و مغزش را می‌خورد، ولی در متن فارسی، این عذاب خوردن نساد و خون است.

در فصل ۴۸ پهلوی عذاب روان گناهکاری را که سگ شبان را از خسورشت بازداشته و کشته است، اینست که دیوان مانند سگ او را می‌درند و گوشت او را به سگان می‌دهند، در حالیکه در متن فارسی سخن از گناه کشتن سگ به طور مطلق است و برای مجازات، یک سگ روان‌گناهکار را یک‌پا به دوزخ می‌کشد و سگ دیگری از قفا او را می‌درد.

در فصل ۳۴ پهلوی گناه آنکس که گیس و موی بر آتش می‌افکند و تن بر آتش دارد، اینست که خرفستران (= حیوانات موذی) تمام بدن او را می‌جووند و در مقابل، در منظومه فارسی، عذاب آنکس که بر آتش سر شانه کند و موی و نسا و ناخن در آن ریزد این است که تن او را میان برف و یخ بکشند.

در فصل ۳۵ پهلوی، زنی که جادوگری کرده است با لیسیدن نسای خود عذاب می‌بیند و در متن فارسی از هفت اندام او گوشت می‌کنند و او با دشنه تن را بریده و می‌خورد.

۸- اما فصل‌هایی نیز هستند که کاملاً و حتی در جزئیات باهم تطبیق می‌کنند از قبیل فصل‌های ۲۴، ۲۶، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۴۲، ۵۲ و غیره....

۹- اما گناهایی که در فصل‌های باقیمانده‌ای که فقط در متن پهلوی آمده و منظومه فارسی آنها را نقل نکرده است مطرح می‌شود. تقریباً نیمی مربوط به اعمال

۱- ارداویراف‌نامه منظوم ص ۲۵.

۲- همان اثر ص ۷۷.

۳- همان اثر ص ۷۹.

۴- همان اثر ص ۸۴.

۵- لاشه و مردار هر چیز کثیف و گندیده چه از انسان و چه از جانوران را نسا می‌گویند.

۶- ارداویراف‌نامه منظوم ص ۸۶.

۷- ارداویراف‌نامه منظوم ص ۸۷.

۸- ارداویراف‌نامه منظوم، ص ۸۷.

ناشایستی است که زنان مرتکب شده‌اند. چه از نظر خیانت به شوهر، تمکین نکردن، فرزندان را از لحاظ شیر در مضیقه گذاشتن، بدزبان و بددهن بودن، شیون و مویه کردن و غیره که البته مواردی از آنها در فصل‌های پیشین آمده است.

گناهان دیگری که مطرح می‌شود دروغ و ناراستی و مواظبت از ستور نکردن و رشوه و دروغزنی و از این قبیل اعمال نادرست است که از نظایر آن در بخشهای قبلی این منظومه صحبت به میان آمده است و شاید دلیل نقصان آن در متن منظومه فارسی اجتناب از تکرار باشد.



ارداویراف‌نامه زردشت بهرام، با اینکه از سبک نگارشی دوران خسود پیروی می‌کند، ولی به علت به‌کار بردن اصطلاحات خاص زردشتی، چه از نظر آئینی و چه از نظر واژگان از نوعی ویژگی برخوردار است که بالطبع در دیگر آثار نگارشی همدوره آن که تحت نام آثار اسلامی بررسی می‌شود به چشم نمی‌خورد.

خواننده ناآشنا با این مراسم و آئین‌های خاص زردشتی و اصطلاحات مربوط به آن در درک بعضی از موارد دچار اشکال می‌شود. ولی این موضوع بهیچوجه از روانی و زیبایی و لطافت کلام زردشت بهرام نمی‌کاهد و توصیف‌های شعری او وقتی مطلب ایجاب می‌کند، درخور توجه است.^۱



متن ارداویراف‌نامه، بعد از زردشت بهرام پژدو، بدلیل اهمیت سنتی خاص و دلکش بودن موضوع آن، مورد طبع‌آزمایی شعرائی دیگر زردشتی نیز قرار گرفته است. در کتابخانه ملی پاریس^۲، یک نسخه خطی از ارداویراف‌نامه منظوم موجود است که کاووس پسر فریبرز در سال ۹۰۲ یزدگردی (احتمالاً ۱۵۲۰ م) در نوسازی سروده است. او در اثر خود نامی از زردشت بهرام نمی‌برد.

انوشیروان پسر سزبان شاعر قرن دهم یزدگردی (قرن ۱۷ میلادی) و دستورنامی زردشتی که در موضوعات بیشمار طبع‌آزمایی کرده است، ارداویراف‌نامه مفصلی نیز به نظم دارد که برعکس سایر آثار او که در بحر متقارب می‌باشند، در بحر هزج سروده شده است. یعنی همان بحری که زردشت بهرام پژدو، ارداویراف‌نامه خود را به نظم کشیده است.

او در منظومه خود با احترام از زردشت بهرام نام می‌برد و شرح می‌دهد که با خواندن متن اصلی متوجه شده است که زردشت بهرام قسمت‌هایی را بخصوص در سفر

۱- برای توضیحات بیشتر رجوع کنید به دکتر عقیقی و ارداویراف‌نامه منظوم، ص بیست و چهار و سی و سی و یک.

دوزخ نقل نکرده است و بهیمن دلیل تصمیم به سرودن این اثر گرفته است.
 این متن درجلد دوم روایات داراب هرمزدیار صفحات ۳۳۱-۳۴۲ نقل شده است. ۱.
 ارداویراف نامه‌ای به نثر نیز در میان نسخه‌های خطی کتابخانه ملی پاریس ۲ موجود
 است که با سبکی ساده نوشته شده است.
 وست West نیز از نسخه ناقصی از ارداویراف نامه منشور در مونیخ نام می‌برد. ۲.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

1-- Unvala, "Darab Harmozar's Rivayat" Bombay 1922, 2. vol.

۲- تحت شماره ۴۷ Supplement persan ، ورقهای ۴۱ - ۵۴.

2-- E. W. West "The Modern persian Zoroastrian Literature of the Paris"
 § 122, GIPF.

Bartholomae, **Die Zend Handschriften**, München, 1915, p. 290. نیز نک